نجات گردشگر گمشده بعد از ۳ روز در مرنجاب

گردشگر کرجی که در کویر مرنجاب گمشده بود بعد از سه شبانه‌روز از سوی امدادگران هلال‌احمر آران و بیدگل و نیروهای محلی پیدا شد. حسین اصباح، رئیس جمعیت هلال‌احمر آران و بیدگل به جام‌جم گفت: ساعت ۱۳ روز پنجشنبه هشتم آذر امسال گزارشی دریافت کردیم مبنی براین‌که مرد ۲۷ ساله‌ای که ساکن شهر کرج بوده، روز چهارشنبه به کویر مرنجاب آران و بیدگل رفته و خانواده‌اش نتوانسته‌اند با او تماس تلفنی داشته باشند و احتمال می‌دادند که او در کویر گمشده باشد. ۲۰ نفر از امدادگران هلال‌احمر و نیروهای داوطلب مردمی و محلی جست‌وجوها را برای یافتن این گردشگر گمشده آغاز کردند. وی افزود: این عملیات سه شبانه‌روز ادامه داشت تا این‌که عصر شنبه دهم آذر امسال گردشگر گمشده را در کویر مرنجاب یافتند. او حالش خوب بود و در این سه شبانه‌روز از مواد غذایی که همراه داشت استفاده کرده و مشکلی برایش رخ نداده بود. او از مسیر اصلی خارج شده و نتوانسته بود مسیر خود را پیدا کند.

پدر دختر ربوده شده از ربایندگان خواست به‌خاطر بیماری دخترش او را رها کنند

ربایندگان «آیناز» این صفحه را بخوانند!

معصومه ملکی

حوادث

تحقیقات یک ماهه پلیس همدان برای یافتن آیناز، هنوز به نتیجه نرسیده و خانواده دختر گمشده همچنان چشم انتظار بازگشت او هستند. دختر هشت ساله هنگام بازی مقابل خانه‌شان در همدان ناپدید شده است.

به گزارش جام‌جم، عصر چهارم آبان امسال مردی با حضور در کلانتری ۱۶ شهرک مدنی همدان از ناپدید شدن دختر هشت ساله‌اش خبر داد. پرونده‌ای تشکیل و به پلیس آگاهی استان همدان ارسال شد. شاکی به افسر تحقیق گفت: در تماس تلفنی همسرم متوجه گم‌شدن آیناز شدم و خودم را سریع به خانه رساندم. همه جا را گشتیم اما از دخترم خبری نبود.

تحقیقات نشان داد، بعد از جدایی والدین آیناز، او نزد پدرش زندگی می کرد و بعد از آن مادرش را یک بار هم ملاقات نکرده بود.

ماموران به تحقیق از نامادری آیناز پرداختند که او اظهار کرد: آن روز دخترانم در حال بازی در خیابان بودند و من کنارشان ایستادم . دختر سه ساله ام محنا خواست او را به سرویس بهداشتی ببرم . حدود ده دقیقه بعد که بازگشتیم آیناز نبود. اطراف را جست‌وجو کردم، اما آیناز را پیدا نکردم. اودمپایی به پا داشت ، روسری قرمز سرش بود،ژاکت بنفش کاموایی و شلوار سرمه‌ای پوشیده بود.

در ادامه مادر آیناز که سال‌ها او را ندیده بود، به پلیس آگاهی احضار شد و گفت: بعد از جدایی از پدر آیناز، دوباره ازدواج کردم و دو فرزند دارم. شوهر سابقم خانه‌اش را عوض کرد و دیگر نتوانستم دخترم را ببینم. در اداره پلیس متوجه گمشدن آیناز شدم.

در این مرحله معلوم شد مادر کودک در گمشدن وی نقشی ندارد و احتمال ربوده شدن آیناز قوت گرفت. با گذشت بیش از یک ماه از ناپدید شدن آیناز تحقیقات برای یافتن او ادامه دارد.

پیش ۲۰ رمال رفتم

علی‌اکبر، پدر ۳۶ ساله آیناز به جام‌جم می‌گوید: نمی‌دانم حال و روز دخترم چطور است و دوباره او را ملاقات می کنم یا نه. همسرم همیشه آیناز را به چشم دختر خودش می‌دید و کسی باورش نمی‌شد او دختر واقعی‌اش نیست. آیناز هم او را مامان صدا می‌زد. چند ماه از ازدواج دومم گذشته بود که آیناز هنگام بازی در راه پله افتاد و از ناحیه سر مصدوم شد. تحت درمان قرار گرفت اما بینایی چشمانش را از دست داد. عمل جراحی زیادی انجام شد تا این‌که بینایی چشم راستش را به دست آورد. اما چشم چپش بینایی ندارد.

پدر آیناز افزود: آیناز به مدرسه می‌رفت. محنا را هم در مهدکودکی نزدیک مدرسه او ثبت‌نام کردیم. صبح‌ها با هم می‌رفتند و ظهر با هم بازمی‌گشتند. زمانی که او گم شد همه جا را جست‌وجو کردیم. ساختمان نیمه‌کاره مقابل خانه‌مان که بیشتر مواقع معتادان در آنجا رفت و آمد داشتند، زمین‌های کشاورزی اطراف خانه و بیابان‌ها را هم جست‌وجو کردیم. هر روز کارمان شده بود به بیمارستان‌ها، بهزیستی و پزشکی قانونی سرکشی کنیم، اما تلاشمان بی‌نتیجه می‌ماند.

وی ادامه داد: علاوه بر انتشار عکس و مشخصاتش در گروه‌های تلگرامی، اعلامیه گم شدنش را هم پخش کردیم. افراد زیادی با من تماس گرفتند. برخی دلداری مان می‌دادند، گروهی نشانی‌های دروغ از محل یافتن او به ما می‌دادند. برای یافتن دختر گمشده‌ام ۲۰ بار نزد رمال‌ها رفتیم، هر بار ۵۰ تا ۱۰۰ هزارتومان و گاهی بیشتر پول می‌گرفتند و همه آنها می‌گفتند او زنده است و پیدا می‌شود.

محل ناپدید شدن آیناز

شوخی دردسرساز

وی گفت: دوازدهمین شبی که او ناپدید شد پیامکی برایم ارسال شد که در آن نوشته بود دخترت پیش من است برای آزادی‌اش باید صد میلیون تومان بدهی. برای اطمینان به بوستان محلتان بیا. موضوع را به پلیس خبردادم و گمان می‌کردم ماجرا واقعی است. رفتم آنجا و تا ساعت ۴ صبح آنجا بودم همه جا را جست‌وجو کردم، اما ماجرا دروغ بود. ماموران مرد مزاحم را که ساکن یزد بود یافتند و پی بردند او عکس دخترم را در کانال تلگرامی دیده و به قصد شوخی به این کار دست زده است. پدر آیناز ادامه داد: دخترم پنج سال است که روزی دوبار شربت ضد تشنج می‌خورد، در این چند هفته که او نیست نمی‌دانم حال و روزش چطور است. در خبرها و سایت‌های مجازی درباره کودک‌ربایی مطالبی خوانده بودم، به همین خاطر آموزش لازم را به دخترم داده بودم که با افراد غریبه نرود و طلا همراه نداشته باشد. او به حرف‌هایم خوب گوش می‌داد و نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاده است. گمان می‌کنم او ربوده شده است. مدام خوابش را می‌بینم که فریاد می‌زند بابا کمکم کن. دخترم کم‌بیناست و می‌خواهم هر فردی که او را برده به من و خانواده‌ام رحم کند و او را به ما بازگرداند.

آخرین وضعیت پرونده دختر گمشده

سرهنگ رضا زارعی، رئیس پلیس آگاهی همدان درباره آخرین روند رسیدگی به پرونده آیناز، دختر خردسال ناپدید شده به فارس گفت: بیش از یک ماه از گم‌شدن آیناز دختر هشت ساله همدانی می‌گذرد. سرنخ‌هایی از این اتفاق به دست آمده است، اما نمی‌توان قطعی نظری داد. تحقیقات ادامه دارد و امیدواریم به نتایج خوبی برسیم. به نظر نمی‌رسد این کودک دزدیده شده باشد، اما همچنان تحقیقات ادامه دارد. دلایل و مدارکی وجود دارد که نمی‌توانیم در مورد آن حرفی بزنیم اما در آینده مشخص می‌شود که ماجرا چیست؟ بر اساس اظهارات پدرش، آیناز دارای بیماری است و از لحاظ بینایی نیز مشکل دارد. تلاش بی‌وقفه پلیس برای یافتن این دختربچه همچنان ادامه دارد.

دختر ۸ ساله چند سال قبل براثر حادثه بینایی یک چشمش را از دست داد

محاکمه متهم پرونده قتل مدیرمسؤول

متهم پرونده قتل مدیرمسؤول یکی از نشریات در جلسه دادگاه منکر قتل شد. متهم ادعا کرد با پشت چاقو به مقتول ضربه زده است.

به گزارش جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۲۰ اردیبهشت سال گذشته و به دنبال گزارش درگیری خونین در پارکینگ ساختمانی در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت. ماموران با حضور در محل درگیری در محله امیرآباد متوجه شدند مرد میانسالی به نام مجید که مدیرمسؤول نشریه‌ای است از ناحیه سینه هدف ضربه چاقو قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده است. با وجود تلاش پزشکان، مجید بر اثر شدت جراحات فوت کرد و ماموران برادر و برادرزاده ضارب را دستگیر کردند.

در ادامه تحقیقات مشخص شد، درگیری به خاطر ساخت اتاقکی در بخش مشاع ساختمان شروع و منجر به قتل شده بود. تجسس پلیس برای دستگیری متهم اصلی به نام اشکان آغاز و پس از پنج ماه او در باغی در غرب تهران دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها مدعی شد، با پخی چاقو به او ضربه زده و مرتکب قتل نشده است.

با تکمیل تحقیقات برای اشکان به اتهام قتل عمد، مصرف مشروب، جعل و نگهداری شوکر و برای دو متهم دیگر به اتهام ضرب و جرح، کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. دیروز به این پرونده در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد که اولیای دم برای اشکان درخواست قصاص کردند.

در ادامه برادر و شوهرخواهر مقتول که در این درگیری مجروح شده بودند، درخواست دیه کردند. برادر مقتول گفت: برای کمک به برادرم و پایان دادن به درگیری وارد این دعوا شدم. اشکان برادرم را کشت و همراه دو متهم دیگر ما را زخمی کردند.

رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به اشکان از او خواست از خود دفاع کند که متهم به قتل بار د اتهامش گفت: قتل را قبول ندارم اما اتهام مصرف مشروبات الکلی، نگهداری گاز اشک‌آور و جعل را قبول دارم. من با پخی چاقو یک ضربه به مقتول زدم و زمانی که محل را ترک کردم او زنده بود. در جریان درگیری، آنها می‌خواستند چاقو را از دستم بگیرند که یکدفعه دستم را به جلو هل دادند. من صورتم به سمت مقتول نبود و پشت سرم را نگاه می‌کردم. وقتی برگشتم مجید را دیدم که روی زمین افتاد و شکمش را گرفت. بعد چاقو را به خانه بردم و وقتی برگشتم یکی از برادرهایش را دیدم که گفت به اورژانس زنگ زدیم. سوار موتورم شده و از آنجا رفتم.

قاضی در ادامه درباره علت اختلاف و درگیری پرسید که اشکان گفت: من یک واحد آپارتمان با پارکینگ به مقتول فروخته بودم اما او یک پارکینگ اضافه می‌خواست. در پارکینگ یک اتاقک ساخته بودم که باعث اعتراضش شد و با هم اختلاف پیدا کردیم. روز حادثه متوجه شدم از من شکایت کرده است. می‌خواستم با صحبت مشکل را حل کنم اما او عصبانی بود. در نهایت با هم درگیر شدیم. او می‌گفت ماشینت را تخریب می‌کنم.

رئیس دادگاه: چرا فرار کردی؟

متهم به قتل: اعتیاد داشتم و مشروب مصرف می‌کردم. به همین دلیل روز درگیری حالت عادی نداشتم.

رئیس دادگاه: چرا گاز اشک‌آور داشتی؟

متهم به قتل: وقتی جوان بودم به ژاپن رفتم و سرمایه‌ای دست و پا کرده و در تهران بساز و بفروشی می‌کردم و مغازه طلافروشی داشتم. به طلافروش‌ها گاز اشک‌آور می‌دادند که بعد از جمع کردن مغازه، آن را تحویل ندادم.

در ادامه دو متهم دیگر در جایگاه قرار گرفتند و اتهام ضرب و جرح عمدی را رد کردند.

پس از آخرین دفاعیات متهمان و وکلای آنها، قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

فرار مرگبار بعد از زخمی کردن برادرزن

مرد شیشه‌ای بعد از آن‌که برادرزنش را با شلیک کلت زخمی کرد، با رفتن به ساختمان کناری قصد فرار داشت که از تراس طبقه پنجم به پایین افتاد و فوت کرد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۷ صبح شنبه دهم آذر امسال یکی از ماموران کلانتری باغ‌فیض با بازپرس سجاد منافی‌آذر، کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از سقوط مرگبار مرد ۲۸ ساله‌ای از تراس ساختمان پنج طبقه‌ای در ۳۵ متری گلستان، خیابان ایران‌زمین خبر داد.

با حضور تیم جنایی، یکی از ساکنان ساختمان گفت: من و خانواده‌ام در طبقه پنجم زندگی می‌کنیم. نیمه‌شب با شنیدن صدای ضربه‌هایی به پنجره تراس بیدار شدیم. مرد غریبه‌ای به زور می‌خواست وارد شود و از ما خواست در را باز کنیم. از ترسمان در اتاق خواب را قفل کرده و بیرون رفتیم. او با برداشتن وسیله‌ای، شیشه را شکست و وارد اتاق شد. اما به خاطر قفل بون در نتوانست از آنجا بیرون بیاید. با سروصدایمان همسایه‌ها به کمکمان آمدند، همان موقع متوجه سقوط مرگبار وی شدیم.

ماموران با احتمال این‌که مرد جوان، ساکن ساختمان‌های اطراف باشد، از ساکنان آنجا تحقیق کردند و معلوم شد او ساکن ساختمان کناری محل حادثه است. تحقیقات از همسایه‌ها نشان می‌داد که او چند سال قبل ازدواج کرده، فرزند یک‌ونیم ساله دارد. معتاد به شیشه است و چند ماه قبل همسرش، فرزندش را برداشته و نزد خانواده‌اش رفته است.

او همیشه با تماشای فیلم با صدای بلند باعث مزاحمت و سلب آسایش همسایه‌ها می‌شده و به تذکر آنها توجهی نمی‌کرد. ساعتی قبل از مرگ این مرد، صدای تیراندازی از خانه‌اش آمده و سپس امدادگران اورژانس مرد جوانی که از ناحیه آرنج و دست راستش زخمی شده بود را از خانه‌اش به بیمارستان امام خمینی(ره) منتقل کرده بودند. ماموران و بازپرس جنایی در بیمارستان حاضر شدند و ساعاتی بعد که مرد زخمی به هوش آمد از او تحقیق کردند. وی به افسر تحقیق گفت: جوان متوفی دامادمان است. او شیشه‌ای بود و همین باعث قهر خواهرم شده بود. آن شب به دامادمان زنگ زدم و همراه دوستم به مقابل خانه‌اش رفتم تا بعد از گفت‌وگو با وی، او و خواهرم را آشتی بدهم که به محض باز شدن در آپارتمان با کلتی که به دست داشت مرا زخمی کرد. دوستم نجاتم داد.

با توجه به گفته‌های او، ماموران دوربین‌های ساختمان‌ها را بازبینی کرده و متوجه شدند مرد جوان بعد از تیراندازی قصد فرار داشته که سقوط کرده و جان باخته است.

کلاهبرداری ۱۰۰ میلیونی با یک پیامک

مجرم سابقه‌دار که با پیامک، صد میلیون تومان کلاهبرداری کرده بود، در عملیات پلیس تهران دستگیر شد.

به گزارش جام‌جم، چندی قبل مردی با مراجعه به اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران با طرح شکایتی گفت: دیروز پیامکی دریافت کردم که شماره کارتی در آن اعلام و از من خواسته شده بود ده میلیون تومان به این کارت واریز کنم. به خاطر این‌که قرار بود ده میلیون تومان به حساب یکی از دوستانم واریز کنم، فکر کردم پیامک از طرف اوست. سریع پول را واریز کردم اما بعد از تماس با دوستم متوجه کلاهبرداری شدم.

پس از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و ردپای یک مجرم حرفه‌ای به نام سعید ۴۰ ساله را در این پرونده به دست آوردند.

در بررسی سوابق سعید مشخص شد که وی دارای سوابق متعدد کیفری به اتهام کلاهبرداری به همین شیوه و شگرد و در حال حاضر نیز تحت تعقیب مراجع قضایی و انتظامی است. کارآگاهان با شناسایی مخفیگاه متهم در نسیم‌شهر، او را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند.

متهم در همان ابتدا به بیش از ده‌ها فقره کلاهبرداری به این شیوه و شگرد اعتراف کرد که با اقدامات ویژه پلیسی تاکنون ۱۵ نفر از مالباختگان شناسایی شده اند. در تحقیقات از مالباختگان نیز مشخص شد که متهم بیش از یکصد میلیون تومان از آنها کلاهبرداری کرده است.

قتل مادرزن برای سرقت

مردی که با انگیزه سرقت طلاهای مادرزنش، او را کشته و جسدش را به آتش کشیده بود، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ فریدون جهان‌تیغ، جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان آزادشهر گفت: ۹ آذر امسال، گزارش مرگ زنی براثر آتش‌سوزی و سوختگی به پلیس گزارش شد. آنها با حضور در این خانه با جسد آن زن در حالی روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد به قتل رسیده و طلاهایش سرقت شده است. در تحقیقات بعدی معلوم شد داماد وی آخرین نفری بوده که به خانه مقتول رفته است. او به عنوان مظنون بازداشت شد و اعتراف کرد به خاطر سرقت طلاهای مادرزنش به خانه او رفته، وی را بر اثر ضربه‌های جسمی سخت کشته و بعد از سرقت طلاها، جسد را آتش زده است.

تحقیقات از متهم به قتل در پلیس آگاهی آزادشهر ادامه دارد.

مرد جنایتکار وقتی با مقاومت مادرزنش برای سرقت روبه‌رو شد او را کشت

تلنگر

نجات دختر ۸ ماهه از میان دود

نوزاد دختر هشت ماهه که در میان دود ناشی از آتش‌سوزی خودرو در ساختمان گرفتار شده بود نجات یافت.

به گزارش جام‌جم، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره گفت: ۵۰ دقیقه بامداد یکشنبه ۱۱ آذر امسال، آتش‌نشانان ایستگاه ۲۱ از وقوع آتش‌سوزی در پارکینگ ساختمان مسکونی پنج طبقه‌ای در شهرک کیانشهر، خیابان ابراهیمی باخبر شده و برای امدادرسانی در آنجا حاضر شدند و مشاهده کردند خودروی پژو ۲۰۶ به دلیل نامعلوم در پارکینگ آتش گرفته و دود آن همه فضای ساختمان را پر کرده است. آنها شعله‌های آتش را خاموش کردند و افراد داخل ساختمان را بیرون آوردند. آنها در حال خارج کردن دود از ساختمان بودند که متوجه حضور دختر هشت ماهه‌ای در میان دودی که وارد یکی از آپارتمان‌ها شده بود، شدند و او را نجات داده و تحویل خانواده‌اش دادند.

شلیک پلیس دزدان را زمینگیر کرد

دزدان حرفه‌ای لوازم داخل خودرو با شلیک پلیس زمینگیر شدند. سه دختر و پسر به سرقت از ۳۰۰ خودرو اعتراف کردند.

به گزارش جام‌جم، بامداد دیروز ماموران کلانتری ۱۳۷ نصر هنگام گشتزنی در محدوده خیابان تهران ویلا به سرنشینان یک خودروی پراید سفید رنگ مشکوک شده و به راننده خودرو دستور توقف دادند که راننده بدون توجه به اخطار پلیس فرار کرد. ماموران به تعقیب متهمان پرداخته و چند تیرهوایی شلیک کردند، اما راننده توجهی نکرد و در ادامه ماموران به سمت پراید شلیک کردند که راننده کنترل خودرو را از دست داد و پس از برخورد شدید با خودروهای پارک شده در خیابان رودکی متوقف شد. مأموران، سرنشینان خودرو را که دو مرد و یک دختر جوان بودند، دستگیر کرده و هر سه متهم به کلانتری ۱۳۷ نصر منتقل شدند.

در همان تحقیقات اولیه، راننده خودروی پراید به نام ایمان ۳۱ ساله، به عنوان یکی از مجرمان سابقه‌دار با بیش از ۱۱ فقره سابقه دستگیری شناسایی شد. بررسی سوابق ایمان نشان داد او بارها به اتهام ارتکاب جرایم مختلف از جمله سرقت به عنف، سرقت داخل خودرو، تحصیل مال نامشروع و... دستگیر و روانه زندان شده است. ایمان در تحقیقات به ۳۰۰ فقره سرقت لوازم داخل خودرو اعتراف کرد و گفت با همدستی دو عضو دیگر گروه به سرقت از خودروهای پارک شده در سطح شهر تهران اقدام کرده است. برای این‌که پلیس به آنها شک نکند دختر جوان را همراه خود به محل‌های سرقت می‌بردند.

حمله به همرزم شهید همت

همرزم شهید همت و شهید همدانی در مسیر دانشگاه اهواز مورد حمله مسلحانه قرار گرفت.

به گزارش پایگاه خبری شهدای ایران، جانباز دکتر علی ثابت که استاد دانشگاه است، می‌گوید، همزمان با اربعین حسینی عده‌ای ناشناس در اهواز در مقابل در منزلش و در حالی که قصد رفتن به دانشگاه را داشته، به وی حمله مسلحانه کرده‌اند و حتی در خانه‌شان هم در اثر اصابت گلوله سوراخ شده و مدت‌هاست در اثر عفونت‌های ناشی از این جراحت که عوارض شیمیایی زمان جنگش را هم تحت تأثیر قرار داده، در بیمارستان بستری است.

وی درباره عوامل این حادثه می‌گوید: در منطقه اهواز و خوزستان گاهی این اتفاقات می‌افتد و علتش هنوز مشخص نیست و در دست پیگیری است.

از همان روز نخست به مراجع قضایی و انتظامی و دیگر مراجع ذی‌صلاح مراجعه و شکایت کرده است و مدارک ضرب گلوله هم موجود است، اما تاکنون کسی برای او کاری انجام نداده است.